

از نشریه روزنامه نگاران ایرانی، شماره 19

[بازگشت به صفحه اول](#)

سه غم و یک خوشحالی

حمید صدر

[/http://www.hamidsadr.com](http://www.hamidsadr.com)

غم یک:

در آن چند هفته ای که شاه، مریض، مرعوب و ناامید از ایران رفته بود، سران ارتش شاهنشاهی از طریق بازرگان و آیت الله بهشتی در نامه های فدایت شوم به خمینی نسبت به او اعلام وفاداری می کردند و رئیس شورای سلطنت خود را به پاریس رسانده بود تا ملت مسلمان از امام تقاضا کند استعفا ی وی را بپذیرد، و امام با شعار وحدت کلمه مشغول کلاه برداری از تاریخ یک ملتی بود، فقط یک نفر پیدا شد که زیر بار حکومت اسلامی امام نرفت، دکتر بختیار یک تنه جلو حماقت و دروغ حاکم بر خیابان ایستاد و گفت یک رهبر مذهبی نباید در امور سیاسی دخالت کند.

او با وجود همه تنگناها از مجلسی فرمایشی رای اعتماد گرفت و تا آنجا که می شد مقاومت کرد تا در آن دوران وانفسا بتواند مردم و سازمان های سیاسی را که در شور و سرمستی انقلاب عقل و هوششان را از دست داده بودند، متوجه کند، فرصت ها را از دست ندهند و در فکر ایجاد یک دموکراسی پایدار در ایران باشند. او بارها پرسید، مگرما در این 25 سال چه می خواستیم؟ زندانیان سیاسی آزاد شده اند، ساواک منحل شده، مطبوعات میتوانند بدون سانسور هرچه را که می خواهند بنویسند. پس منتظر چه هستیم؟ برویم سازمانها و احزاب خود را درست کنیم تا در انتخاباتی که در پیش است شرکت کنیم. او گفت، قانون اساسی دست آورد انقلاب مشروطه به شما و نمایندگان این امکان و اختیار را داده تا مجلس موسسان را برگزار کنید و در یک فضای بدون تنش آن نظام حکومتی را که خواهان آن هستید، به مردم پیشنهاد کنید تا از طریق قانون حاکمیت ملی مستقرشود. چون آگاهی به دموکراسی وجود نداشت کسی گوشش بدهکار نبود و شد آنچه که نباید.

غم دو

سی سال در وهن، مرگ، عذاب و تحقیر سپری شد تا ملتی اسیر و سرکوب شده از یک «فرصت انتخاباتی» که بر آن هر اسمی میتوان نهاد جز انتخابات، بخاطر یک هزارم آنچه که در دوران «انقلاب» بدست آورده بود، در یک رای گیری شرکت کند، بلکه منفذی برای مدتی نفس کشیدن پیدا شود. آخر کار معلوم شد که «نظام جمهوری اسلامی» تماما او را سر کار گذاشته و رهبر انقلاب جدید دوباره کلاهی به گشادی تمام ایران برسر او گذاشته است. به مردم توهین شده و آنها فریب خورده و رها شده میگویند، ما اصلا نخواستیم. رای مان را بما پس بدهید. ولی فقیه میگوید از رای هشتاد و پنج در صدی شما به نظام متشکریم و رای تان را هم پس نمی دهیم. دو هفته ای است که مردم اعتراض میکنند و حکومت آنها را زیر لگد و فحش و چماق و گلوله گرفته که شما غلط می کنید، اعتراض کنید. و حال کار به اینجا کشیده که مردم سر پشت بامها رفته الله اکبر گویند داد می زنند: ما آزادی مطبوعات نداریم، صدا و سیما نظرات ما را مطرح نمی کند، وزارت کشور بما مجوز راهپیمائی برای اعتراض به انتخابات قلابی و دولت قلابی نمیدهند، بجای جواب ما را دستگیر می کنند، شکنجه می کنند و ...

غم سه

اکنون مدتی است که بجای دکتر مصدق، دکتر صدیقی، دکتر بختیار و حتی فردی مثل داریوش فروهر رهبران نهضت دموکراسی خواهی مردم ما کسانی شده اند که حد اکثر خواستشان در درجه اول حفظ نظام جمهوری اسلامی و تکیه به «معنویت» انقلاب اسلامی در مقابل استقرار حکومت اسلامی است! رهبران نا خواسته این جنبش یعنی میر حسین موسوی و شیخ مهدی کروبی که بعد از بیار آمدن فاجعه ای سی ساله از درون این نظام به بیرون رانده شده اند، اصلا قصد این را ندارند که برای نائل شده به دموکراسی چهارچوب نظام جمهوری اسلامی را ترک کنند.

و یک خوشحالی

مردم ایران و بخصوص جوانان بر این امر آگاهند که مبارزه برای استقرار دموکراسی تازه شروع شده است و آگاهی آنها به اینکه همه کسانی که در این روزها کشته یا زخمی میشوند، به زندان می افتند و شکنجه می شوند، برای برداشتن قدمی است در راه نائل شدن به دموکراسی و حاکمیت ملی، آنها را بعد از سالها توهین و تحقیر به ملتی مصمم، ثابت قدم و آگاه تبدیل نموده است.

[بازگشت به صفحه اول](#)

[سایر مطالب مربوط به دیدگاه](#)